# پرچم

وافغانستان دملک دموکراتیک آنها وخپروونکی

۲۵ قوس ۱۳۴۷


## رویدادهای مهم

### جهان در هفته گذشته

### در شرق میانه

بحران شرق میانه در ائر سیاست آتشی نا پذیر اسرائیل در برابر اعراب و اعمال تحریک آمیز نظا می جدید آن کشور در سر حدات اردن، جمبو ریت متحد عرب وسوریه بیش ازپیش روبخدمت میکرد. هر گاه جلو آن بمو قع گر فته نشود و اسرائیل مجبور ساخته نشود که طبق فیصله ما نو مبر شورای امنیت درسال گذشته ، بحیث شرط اول حل سیاسی برا یملو شرق میانه ، قوای خود را ازمناطق تحت اشغال بیرو ن کشد، و دول عربی ، بخصوص امریکا ، کمک های فیاضانه (!) خودرا به اسرا ئیل قطع نه نماید و متجاو ز را دراعمال تجاوز کارانه اش ، چه از راه امداد های بی بدیل و بار نظامی وچه ازراه موضع گیری جانبدارانه درمجامع بین المللی بیشتر تشویق نما ید ، حل بر ایملو شرق میانه جز ازراه جنگ واستعمال قوت ممکن نخواهد بود ودول عر بی مجبور خوا هند بود برای از بین بردن آثار تجاوز اسرا ئیل واعاده حقو ق خویش ازاین شیوه حل کار بگیرند که بقول ملك حسین یاد شاه اردن، در آنصورت تمام حوزه شرق میانه نه بیك نقطه انفجار مبدل خواهد شد وشاید عم ساحه انفجار از حدود و شرق میانه تجاوز کند . در آنو قت مسؤولیت عواقب وخیم آن بدو ش اسرائیل وآنانیکه حامیان خواهد بود که تجاوز را تشویق میکنند.

### در اروپا :

حکومات اتحاد شوروی ،رومانیا وبلغاریا در پرداخل شدن د و کشتی جنگی امریکا به بحیره سیاه شد یداعتراض نمودند. واین عمل را مخالف مواد کا نوانسیون ۱۹۳۶ مو نتر یومی دانند. در مواقعتنامه مو نتر یو طرفیت ، مدت اقامت و قطر دهن توپ کشتی ها ی جنگی کشور های غیر بحیره سیاه تحدید گردیده است .

طبق این مواد فقت تامه کشتیپایی که قطر دهن توپ آن(۱۰۳) ملیمتر تجاوز می کند ومتعلق به کشورهایی میباشد که در بحیره سیاه ساحل ندارند. اجازه دخول به بحیره سیاه داده نشود. امریکا بدون اینکه اجازه تفتیش سلاح در کشتی خود را بدهد و یا خود آنرا افشا نماید ،میگوید که داخل شدن کشتیهای جنگی آن کشور، که یقینا دارای سلاح اتمی وذروی است ، مخالف کانوانسیون مو نتریو نمیباشد .بهرصورت در حا لیکه جنگ در ویتنام دامه دارد و ضاع بحرانی شرق میانه رو بزیروز خرابتر شده می رود پیمان اتلانتیك شمالی مسا بقه و سیع تسلیحاتی را براه انداخته است. ورود دوکشتی امریکا به بحیره سیاه جز ماتور قدرت و تشدید تشنجات موجود در رو بط بین المللی معنی و نتیجه دیگر ندا رد .


دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان لایق

پته : زرلبیت مارکیت محمدجانخان وات

دیوی گنی بیه ۲،۵۰ افغانی

دولتی مطبعه


## میتنگ کارگران فابریکه برق

### سروبی برای تامین خواستهای صنفی

### وشرایط بهتر کار

بروز دوشنبه ۱۸ قوس کارگران فابریکه برق سروبی در سالـون فابریکه میتنگ پر حرارتی تشکیل وضمن سخنرانیها ی خواستهای صنفی ومشکلات شرایط نامطلوب کارخود در ساحه فابریکه مطرح کردند .

در جریان میتنگ ، آمر فابریکه بحضور کارگران حاضر شده ، ابتدا با بر خورد تشدد آمیز وبا ایراداتیکه که : « پرویز شمارا بخدا سپرده ام !» به تهدید کار گران پرداخت. ولی پاداری و پافشاری کارگران در دفاع از حقوق قـانونی شان ، اورا مجبور ساخت تعهد نماید که اگر کارگران دست به اعتصاب نزنند، اوحاضر است معاش اضافه کاری شانرا اجرا کند ، بآنها در یشی کار و موتر سرویس برای انتقال آنان از محل کار تا مساکن شان وبالعکس تهیه نماید و برای براورده شدن سایر خواستهای شان در اینده، همکاری کند .

در جریان این حادثه و لسوا لی سروبی مداخله بی مورد کرده و با ابراز کلمات ضد کرامت انسانی ومتافی عفت زبان ، کارگر آنرا تهدید وتحقیر نمود .

معهذا آمریت فابریکه وعده دادتاخواستهای آنی را که از طرف کارگران پیش شده ، براورده سازد :

— تباس کار زمستانی وبهاری برای کارگران ،

— منزل رهایش ،

— تهیه سرویس برای انتقال کارگران از حوزه کار به محـل بودوباش و برعکس ،

— تادیه معاش اضافه کاری برای دیوران ، برقیهای مسرك سرویس و برجیهای مربوط داخل وخارج فابریکه در آینده ۵ و اجرای اضافه کاری گذشته کار گران .

— عدد کار گران به تناسب کار و تقسیم اوقات مرتبه کم است ، باید تکمیل شود .

— اتاقهای ماشین و رهایـش کارگران سروبی قابل ترمیم وفاقد مسترات است ، باید اعمار شود ،

— تحویلداری وظیفه کار گران نیست ، باید ازین کار سبکدوش شوند و معاملات سامان داغمه وغیره آنها تصفیه کردد ،

— تفاوت معاش کسانیکه ترفیع کرده اند ، تاکنون اجرا نگردیده ، باید هرچه زودتر اجرا گردد .

## پیام عده ئی از کارگران

### به متصلان ومتعلمان

دردوکرم به برجمداران بیشاهنگ خلق افغانستان :

لطفا این پیام را به محصلان و شاگردان زمنده ایکه ، بخاطر تحقق دموکراسی ، علیه قوانین ارتجاعی وضد دموکراتیك پوهنتون و معارف مبارزه کرده اند ، برسانید .

مبارزهٔ اخیر محصلان و شاگردان بخاطر جلوگیری از تنفیذ قوانیـن پوهنتون ومعارف ، در واقعیـت امر موازی با منافع خلق افغانستان وخاصتا کارگران میباشد .

این مبارزه که بسود دموکراسی وبضرر استبداد و ارتجاع صورت گرفت در واقع آزمایشی بود کـه انجام یافته است . به همچیکس ، پوشیدل امریکا ، پوشیده نیست که چیـه آزادی ملی ویتنام جنوبی چهار پرینج حصه ویتنام جنوبی رادر کنترول خود دارد وبانفوذ عمیقی که در بین مـر دم ویتنام جنوبی دارد ، از پشتیبانی کامل کشتار بی رحمانه برخوردار ست .

کشا نید ن جنگ علیه عساکر امریکا بی ورزیم سیگونی تابه دروازه های شهر سیگون رسانده ، تادا خل شهر و نزدیکی قصر ریاست جمهوری ویام سفارت امریکا وارتجا عیـه دیگر و بخصوص دیپلـز ایم ملیون عسکر خارجی در ویتنام جنوبی وصدها هزار عسکر داخلی نشان میدهد که گی به اتکاء گی بر مردم ویتنام جنوبی حکومت می نماید . اگر واقعا امریکا به اعلامیه مشلع ویتنام علاقمند باشد، باید ازسیاست واقع بینانه پیروی کند و جانبـی را کـه برای این منظور بدست آمده ، بااصرار بیمورد برشکل مبارزه واجرای پروژ های تحریك آمیز اکتشا فـی بالای ویتنام شمالی ازبین ببرد. در صورتیکه هیات نما یندگی جمارا است پافشاری برا اینکه میز مذاکره سـه ضلعی باشد، جز سؤنیت و کارشکنی در امر اعاده صلح در ویتنام معنی دیگری ندارد .

## سری وریخی

بیا دغرو نه خوکو . خو کو .
سری وریخی را بشکاریری .
دافق توده پناره .
به سکرو نو چرا ویری .
ن د خمکی له کرمی نه .
د آسمان بڼه بد لیږی .
د دجاد وینو رنکه دی ، «د آسمان لمنی سری دی» .
دا د چا د زړه نه اوره ، په وریځو کښی لمبی دی .

* * *

دتیاره ما ښام په زړه کښی .
د سحر نښی خلیږی .
د سبا زر ینی وړا نکی .
را خوځیږ ، را رسیږی
د جهان دا ضرورت دی .
سره رڼا به پی خود یږی .
دغه ښکلی مړ غلری ، شعر ندی انقلاب دی .
د سبا له سره آسما نه ، را پیلشوی یو شهاب دی .

* * *

سری وریخی ، سبلا وو نه .
په درو کی را بهیږی .
دا تیاری خپلی غرو نه
سرو مو جو نو کی دو بیری .
تور رنګو نه را تهیږی .
ای زورو په خوا ئویږی .
ای د سرو زمی لمبو زمنو ، ګړ ندی شی چه ئیږمن .
زه د تورو شپو اسیر یم ، لاس نی نیسی چه ډوبیږم .

* * *

یابه موږیو ، یابه نه یو
دا جونګړه به رڼا شی
دا دشپی غار تګران به
ټولو خلکو ته رسوا شی .
دا دغم توره دنیا به
ډوبه ، ډوبه به خندا شی
د هغه وخت نیک بختانو هیر مونښی دا جنګو نه
ددی تورو شپو به زړه کی دلاړ ویږ سره ننګو نه

«سلیمان لایق»

## عید آنان وعید اینا ن

ناهید

آنان برای عید آمادگی میگیرند. ایام برادری ، دوستی ، گذشت و ودوستی ؟ ان یکی غرق در تنعم و تفاخر ، می ماند و میخندد و می نازد، آن دگری میمالد و میگرید و می سوزد ورنج میکشد . بین این دو گروه دیوار پولادینی کشیده شده که هرگز خشونخیتی و بدبختی آنان روی اساس «برادری و دوستی» باهم معامله نمیکند . آنان برادران و دوستان هم استند (!) ولی شادی و اندوه شان شریك نیست ، خنده و گریه از هم دوروند وهرگز غم و شادی برادران(!) منشا واحد ندارد ، غم مولود فقر است و شادی فرزند غنا ، غنـای برادران (!) بقیمت فقر برادران بمیان آمده است ولابد خوشی گروه متعدان معلول اندوه بیپایان رنجبران است.

باید هزاران چشم بگرید تادولتی شود . ملیونها انسان گرسنه تا زورگویان محدودی حکم برانند و در تنعم بسر برند . اینست عمـل برادرانه وچنانست ماهیت برادری(!) در جوامع طبقاتی .

چگونه ممکن است بین قصرو تلیه، بین صحت و مرض ، بین رفاه و فقر، بین ظالم ومظلوم ، بین گرگ وگوسفند ، بین ناراحت کننده و ناراح شونده ، برادری و دوستی ایجاد کرد :

عید فرا میرسد و خوشبختان آنرا استقبال میکنند . لباسهای فشنگ، خوراکهای لذیذ، موزیك های سرور وشادمانی ، سانونها و دهلیز هـای گرم را گرمتر می سازند . خنده ها وفریاد های شادمانی در فضـای فامیل های ناز پروردگان می پیچدو برق غرور و اطمینان را منعکس میسازد ، اما آنطرف ، در پشت این دیوارها ، در بین پس کوچه هـای شهر ، در سمجیها و مغاره ها ، در گراجها ، در بیقوله ها ، در پنهای دشتها و دره های وطن محبوب برادران ودوستان رنج میکشند ، ستم میبرند، در آتش فقر و مرض می سوزند ، فریاد میکشند ،نان میگو یند وجان میدهند .

آنجا در دکان مترو ك و نمزده یی مسافری آواره کـه هیچکسی اورا نمی شناسد ، آخرین لمحات زندگی را میبیماید .

آنجا در گاراژی دو طفلك بینوا خوراکهای لذیذ، موزیك های سرور وشادمانی ، سانونها و دهلیز هـای گرم را گرمتر می سازند . خنده ها وفریاد های شادمانی در فضـای فامیل های ناز پروردگان می پیچدو برق غرور و اطمینان را منعکس میسازد ، اما آنطرف ، در پشت این دیوارها ، در بین پس کوچه هـای شهر ، در سمجیها و مغاره ها ، در گراجها ، در بیقوله ها ، در پنهای دشتها و دره های وطن محبوب برادران ودوستان رنج میکشند ، ستم میبرند، در آتش فقر و مرض می سوزند ، فریاد میکشند ،نان میگو یند وجان میدهند .

آنجا در دکان مترو ك و نمزده یی مسافری آواره کـه هیچکسی اورا نمی شناسد ، آخرین لمحات زندگی را میبیماید .

آنجا در گاراژی دو طفلك بینوا خوراکهای لذیذ، موزیك های سرور وشادمانی ، سانونها و دهلیز هـای گرم را گرمتر می سازند . خنده ها وفریاد های شادمانی در فضـای فامیل های ناز پروردگان می پیچدو برق غرور و اطمینان را منعکس میسازد ، اما آنطرف ، در پشت این دیوارها ، در بین پس کوچه هـای شهر ، در سمجیها و مغاره ها ، در گراجها ، در بیقوله ها ، در پنهای دشتها و دره های وطن محبوب برادران ودوستان رنج میکشند ، ستم میبرند، در آتش فقر و مرض می سوزند ، فریاد میکشند ،نان میگو یند وجان میدهند .

آنجا در دکان مترو ك و نمزده یی مسافری آواره کـه هیچکسی اورا نمی شناسد ، آخرین لمحات زندگی را میبیماید .

## چکوسلواکیا :

رادیو بی بی سی اعلان نمو د که روزنامه چکوسلواکیا نطق الکزاندر دوبچك منشی اول حزب کمو نست آن کشور رابچاپ رسانده ند .

دوبچك در نطق خود گفته است که باید باتمام پدیده های منفی درداخل چکو سلواکیا شدیدا مبارزه شود وپیروز بهای سو سیا لیزم در کشور محافظه شود . دوبچك گفته است که عده یی ها خی خوا هستند رژیم سرمایه داری را درچکوسلواکیا رویکار آورند ولی ناکام شدند .

ما نیابد بهاین نیروها کهامنیت بدهیم وباید جدا متوه جه باشیم واز تمام نیرو های سالم جهت مبارزه باعناصر یورژوازی دعوت نمائیم .

## ایتالیا :

اعتصابات بزرگ کار گری روم به پیروزی انجا میده .

سه اتحادیه بزر گ کارگری ایتالیادر هشت شهر دیگر دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کنندگان لغو تبعیض در دستمزد را تقاضا می کردند .

## فرانسه :

کار گران فابریکه رینو طبق فیصله قبلی اعتصاب خود را ۱ آغاز کردند. دراین اعتصاب ۳۲ هزار کارگر شرکت دارند .کار گران بابرچمها ی سرخ درباریس بمظاهره پرداختند .

**تصحیح :** درسنون «رویداد های مهم جهان ...» درشماره گذشته بزیر عنوان « شرق میا نه» در سطر (۳۰) کلمه «ضد» را «ست ومجتمان در سطر دوم مضمون «رد شایعـات زهراکین...» در صفحه اول شما ره مذکور (۳۱ قوس ) به (۱۳ قوس) تصحیح شود.


# پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

عمر فیض- کلکسیون پرچم اهدا برای آن هایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

شمارهٔ چهلم دو شنبه ۲۵ قوس ۱۳۴۷ ۱۶ دسمبر ۱۹۶۸

م.ا. خیر


## خلق:

ـ دملی مصالحو، ملـی استقلال، ملی آزادی، ملـی حاکمیت :
ـ دملی شتمنی، ملی تولید، ملی عائد، ملی اقتصاد، ملی ثقافت، ملی عالیه ستنو اوځنغناتو، ملی متخصینو نو اوډهرمانانو .
ـ دسولی، دموکراسی، اجتماعی ترقی ساتونکی:
ـ اودمترقی بشریت دوستانو دازدی.

# باید اجازه داده نشود که امپریالیزم

## وصیهونیت بار دیگر آتش جنگ را در شرق میانه برافروزند

ببرك كار مل

## درباره ضرورت تاریخی

### حل مسأله ارضی در کشور ما

عصیانها ، قیامها وزد وخورد ها ی محلی و سر تاسری دهقا نان کشورپر ضد ستم ملاکان زنمی، ارتباپان، خوانین، متنفذین محلی وحتی دولتهای مرکزی در تاریخ وطن ما فـراوان بوقوع پیوسته است ، ولی تمام این قیامها از طرف طبقات حاکمه مسلط بایرحمی سرکوب گردیده است .

درشرایط فعلی کشور زنیر هزاران شکایت واعتراض ومبارزات محـلی از طرف دهقانان برضد فئودالیسم وتمرکز واستثمار بیرحمانه ملاکان فئودال ،متنفذین ومرتجعین محلی ، صورت میگیرد .

در جریان سه سال گذشته دوره دواز دهم شورای و ازشروع نشرات پرچم اینطرف صد ها نامه شکایت آمیز دهقانان ستمکش از ولایات مختلف کشور بما رسیده که میتوان گفت «باشك خونین» نبشته شده است تاکنون چندین گروه بنجاه نفری، صد نفری خانواده دهقانان اعم از طفل ، زن ومرد از ولایات دور افتاده بافیوول صد ها رنج بـه شورای افغا نستان (کـه فئو دالان در آن مسلط اند ) بناه آورده انـدو وحشی مایوس وافسرده عودت کرده اند .هزاران فقره دعوی زمین وآب هـم اکنون دردستگاه قرونت اداری کشور لاینحل باقی مانده است .

هرروز فریاد اعتراض توده ها ی عظیم دهقانـان افغا نستان علیـه بیدادگران پیرحم ، سودخواران خون آشام ، تاجران دلال مکار، ما موران دولتی ستمگر وخدمه گر ،ملا کا نوسر مایه داران بیرو کرات وتمـام متنفذین و مر تجعین محلی بلنداست. همچنان هر روز بمشاهده میرسد که پائین آمدن حاصله هی در زراعت افغانستان آشکار وآشکار تر میگردد. مسوولین شیاست زراعتی ، یعنـی حکومتهای افغانستان بنا بر پیرو ند شان با نظام فئودالی میخواهد مصمم نیستند (جز طبار ضعف وعوامفریبی) که به نظام ستمگرانه فئودالی در جـا معـه ملی ما خـا تمه دهند ،بر گـرد د در تـو لید زرا عتـی ،عقب ماندگی فوق العادهٔ آهنگ رشد حرفه ای ، وقوع جنایات ، آدمکشی،زدی ، رهزنی ، انحطاط اخلا قـی... همه وهمه ناشی از حصار نظم کهنـهٔ موجود زراعتـی کشور است .

نفوذ استعمار وامپریالیزم درکشور کم رشد ماطی صد سال اخیر روابط جدیدی (اموال وپول) را درکشورما با خود بهمراه آورد . ورود پی بند وبار اموال خارجی بطور ر رسمـی وقاچاقی صنایع وطنی را ورشکسته ساخت . روابط سرمایه داری بتدریج وبسیار بطی جای خود را در شهـر های افغانستان باز کرد .همراه این روابط سرمایـه داری جـوان ولـی ضعیف ، بر جمعیت شهر ها افزوده شد وتقا ضای محصولات زراعتی را افزایش داد. ولی نظام عقب مانـده زراعتی دیگر قادربتامین مواد مصرفی شهرها نشد ودر نتیجه تقاضا بین تیرو های مولده وروابط تو لیدی بیشترفته تر شهر های کشور وروابط تو لیدی ی کهنه دهات وطن تضاد عمیقی بروز کرد . تمام این حقایق میر ساند که تضاد آشتی نا پذیر میان ملاکان فئودال وتوده هـای عظیم دهقـانان کشور روز بروز شدت مییابدوبزندگی اقتصادی دهقانان مسئله اساسی ،جـدی وحیاتـی در کشور ما در آمده است .

(ص ۲)

بهمین جهت است که دروضـع کنونی مسئله ارضی بمثابه یك ـ

## بیستمین سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر

بیست سال از تصویب اعلا میـه حقوق بشر میگذرد . بنا به تصمیم مجمع عمومی سا زمان ملل متحد سال ۱۹۶۸ سال جهانی حقوق بشر اعلام شد . همچنان هر سال تمام کشورها روز ۹ دسمبر را بنام روز حقوق بشر تجلیل می نما یند . محافل حاکمه افغا نستان بتاسی از رسم جهانی در بارهٔ اعلامیهٔ حقوق بشـرداد سخن دادند و گویا از آن تجلیل کردند . واقعا چقدر درد آور و دردعین زمان مضحك است ، درکشور یکه از حقوق بشر تنها نام برده میشود ولی در روزنه نحوی ازانحا موادمبی گانـه آن ، بدون اندك احترام ، ازطرف نیرو های متنفذ و مسلط جامعه چه در قوای سه گانه دولت ، چـه درادارات ،چه درشهر هاودهات ازطرف مقتدرین و مرتجعین زیر پا گذاشته میشود .

در کشو ریکه آزاد یهای مصرح در قا نون اسا سی آن تا کنون مورد تطبیق قرار نگر فته است . چطور میتوان بقود جرات داد که از اصول وارز شهای عالی اعلامیه حقوق بشـر بنام مردم و حکومت افغا نستان تائیدکرد واعتقاد خود را بـه احترام ،مرا عات و تطبیق آن ابراز داشت . محافل حاکمه افغا نستان افتخار(!) می نما یند که افغا نستان یك عدد از میثاق های ملل متحد در سا حه حقوق بشر الحاق نموده و امسال حکومت افغانستان در کنفـرا نس حقوق بشر در طهران(این کا نو ن اختناق حقوق بشر) به صورت فعال(!) سهم گرفت. لیکن هیچگاه باین سوال حیاتی پاسخ نمیدهند کـه نتائج عملی اعلامیه حقوق بشر برای خلق رنجدیده کشور ما چیست ؟

خوانندگان گامی عزیز توجه بفرمایند!! در شماره های آینده پر چم قسمتی از مواد اعلامیه حقوق بشر را که از تصویب شورای افغا نستان گذشته وشکل قا نونی پیدا کرده است نقل و در برابر هر یـك آن سوالی طرح میکنیم و قضاوت و جواب های ای سالی را به خوا ننده گان محترم میگذا ریم .

برچم تمام قضاوت ها جـوا بهای ارسالی رادر ستون (دوستان) و (در دهای دل مردم) انعکاس خواهد داد و خود نیز در بارهٔ اظهار عقیده خواهد کرد .

از تجاوز ماه جون سال گذشتهٔ اسرائیل ، بیش از یکنیم میلیـال جاگیهایی دارند که اصلا به کشور ـ های عربی تعلق دارد .

یلان خطرناك و تحریك آمیز دیگر یکه اسرائیل در دست اجرا گرفتـه است که میخواهد در مناطق تحت اشغال یك دولت نام نهاد عربی را بحیث دولت حایل (بوفرسیت) تاسیس نماید و مهاجرین عـرب فلسطین را در آن جاگزین سازد و باین صورت برزعم خود راه حلی برای مسالهٔ مهاجرین عرب پیدا کند .

از جانب دیگر در اثر کمك های تازه و دلدار یهای جدید که ازطرف قدرت حاکمهٔ ایالات متحدهٔ امریکا برایش داده شده ، دست به تعرضات وتجاوزات جدید زده ، در مناطـق تحت اشغال بسبك فاشستی رژیم تروری اختناق شدیدی را بر قرار ساخته است وباین اعمال تحریك آمیز خود وضع خراب و بحرانی شرق میانه را خراب تر و بحرانی تر ساخته است . زایو رهای تازه می رساند که اسرائیل «ملجق» شاخته . زمین ـ استراتیژیکی از راه تسرکز دهها هزار عسکر خود در سر حدات اردن و حال شتابـی را بسیار محدود ساخته و زمینه تصادم جدیدی را تهیه میکند که بقینا از تمام تصادمات گذشته شدید تر ووسیع تر خواهد بود .

هرگاه اسرائیل به سیاسیت انعطاف ناپذیر و خصمانه خود در برابر اعراب ادامه دهد و به فیصلـه های شورای امنیت و اسامبله عمومی ملل متحد اعتنا نکند ، بازهم چنین چانه ومغرورانه در راه خطر ناکی که تا حال پیشبر فته ، پیشس پـر و د بدست خود راه باز گشت را پروی خود مسدود خواهد کرد و بالتمام صحیح وحوصله ئی که دلیل عربی آن وجود نشان میدهند ،وقوع جنگ دیگر غیر قابل جلوگیری خواهد بود و این بار موجودیت اسرائیل را شدیدا در معرض خطر قرار خواهد داد .

لحا مبان امریکا ، اگر واقعا بـه امپریالیزم امریکا ، « باید» بداند که دول عربی در این پیروی از سیاسیت معقول وواقع بینانه خویش ، صمدردی عمیق کشور های صلحدوست جهان وکلیه نیرو های مترقی را کمـا کـان نموده وامریکا وحامیان امپریالیسـت آن بنابر سیاست تجاوز و توسعه جوئی شان بیش از هر وقت تجربه جدید به کمك و پشتیبانی دوستان خود با نیروی عریان قایل بیش بینی در برابر متجاوز قیام خواهد نمود .

امپریالیزم ، بخصوص جامعیان آن، باید متوجه باشند که مهیب آنها کاملا باز گردیدم ، دسایس آنها افشا شده است .

وطن پرستان وآزادیخواهان عرب ودوستان آنها بخوبی میدا ند، نبفـر که به جنگ سال گذشته شر ، بی میانه نه جنگیرا ی ما بق ا ین منطقه بین اعراب وامپرا تیل ختم گذا شته است. مستقل اسرائیل ضرورت نگر نداشته است بلکه درنتا م ا ین جنگها امپرا تیل

(ص۳)

## به پاکستان کنبی داستبداد پر ضد خلکو

### مبارزی پر اخیزی

اعتراضات صدر اعظم ووزرای افغانستان

طوریکه در شماره گذشته بعر ض خوانندگان پرچم رسید ، غـر ضی ها از تشرا عتراضات بناغلی صدراعظم ووزرای کابینه اش و طرح سوا لات مقتضی دربارهٔ آن،ارائه مواد برا ی قضاوت خوانندگان و تعمیم بیشتر آن جهت درك درستتـر ی از علـل وجـود فاصلـهٔ عمیـق بین نظر و عمل حکومت می باشد ،ولی بایـد این نکته را نیز قید کرد که پرچم منحیث وظیفهٔ زور نالستیك خویش، باینوسیله سوالهائی را در برابـر زندگی بشیوه موجود برای دهقانان حیات سیاسی، اجتماعی واقتصادی کشور . باساس آن عـا ملهای خودشان ، طـرح میتمایـد و اصولا انتظار باسخهای آن ازحکومت برده می شود .

**در جلسات رای اعتماد بر حکومت بناغلی اعتمادی صدراعظم دروگلسی جرگه :**

....اعضای این حکومت خود را از هر نوع تمایل خاص دسته بندی وحزبی بر کنار و مجرد قرار داده ، تاختم دورهٔ مسئولیت خویش درین طریق باکمال بیطرفی تا بـت قدم خواهند بود با اظهار این مطلب درین لحظه این تعهد را از جانـب خود وهمکاران خود ابراز میتمایم.

**سوال : چـرا بعضـی از اعضای مقتدر حکومت باین تعهد وفانکردند؟ ودر جنبش کار گران اعضای حکومت صریحا از سودا گری کمپرادور و معلوم الحال پشتیبانی نمود نیـد ، خواستهای قانونی کار گـرانرا توسط دوسیه سازان وتوطئه گران یا ماهر محلی قلب ماهیت کـردند و صریحا از منافع بسود خـوا نان و کار گران شریف رایا از کار اخراج ویا آنکه بصورت دسیسه آمیـز ی بزندانها افگندند که نمونه زنده این توطئه علنی وبیر حمانهٔ آنها برخورد ولایت کاپیسا با عبدالقدوس کارگر ، وکیل و نماینده کارگران ساجی گلبهار است، و درین قضیه اعضای مقتدر حکومت صریحا از منافع بسود خـوا نان و دسیسه کاران، با فرستادن پولیس، زاندارم وجا سوسان حرفه یی دفاع کرده و مطالبات قانو نی جنبـا ر بوطنه علنی وبیر حمانهٔ آنها را برخورد

(ص۳)

## اعتراضات صدر اعظم ووزرای افغانستان

طوریکه در شماره گذشته بعر ض خوانندگان پرچم رسید ، غـر ضی ها از تشرا عتراضات بناغلی صدراعظم ووزرای کابینه اش و طرح سوا لات مقتضی دربارهٔ آن،ارائه مواد برا ی قضاوت خوانندگان و تعمیم بیشتر آن جهت درك درستتـر ی از علـل وجـود فاصلـهٔ عمیـق بین نظر و عمل حکومت می باشد ،ولی بایـد این نکته را نیز قید کرد که پرچم منحیث وظیفهٔ زور نالستیك خویش، باینوسیله سوالهائی را در برابـر زندگی بشیوه موجود برای دهقانان حیات سیاسی، اجتماعی واقتصادی کشور . باساس آن عـا ملهای خودشان ، طـرح میتمایـد و اصولا انتظار باسخهای آن ازحکومت برده می شود .

## دخوست دغر غبست دلیسی

### ښو ونکو او زده کو ونکو مظاهره وکړه

له خوسته نه ړا رسیدلی خبرونه وایی چه د قوس یـه ۶ او ۷ ورځ د ښو ونځی زده کو ونکو ونکوهم له مظاهرې سره ملګری شول . د قوس په اومه ورځ د خوست ولسی خلك هم یـه مظاهره وو کړه شول او د زده کو ونکو مظا هره خوا سره یو ځای وکړی .

مظاهره کو ونکو د مظاهری په ترخ کښی دغږونکی اداری او استبداد پر ضد شعار وو نه او د ډیسی اداری و نشوی کولای چه د آزمو ینی د جریان له کیله ډیکتیا تو الی هم کلی وکړی . نو د لیسی مدیر و ولایت د عضی او قهر مورد شو او سمه سنی ډیکتیا توقیف نه له کیله مجبوره شوه چه د غرغښت دلیسی مدیر خوشی کړی .

خبر زیاتوی چه د غرغښت دلیسی ښاروړکو اوزده کو ونکو دښاغلـی عیدت شاه د خلا صون او حیثیت د اعادی لپاره سمدستی په مظاهری لاس پوری کړل او ور پسی د خړین او ملی بیار زو ګلك ملا تړ کوی .

د تیری هفتی د خبر تفصیل

## اعتراضات صدر اعظم ووزرای افغانستان

طوریکه در شماره گذشته بعر ض خوانندگان پرچم رسید ، غـر ضی ها از تشرا عتراضات بناغلی صدراعظم ووزرای کابینه اش و طرح سوا لات مقتضی دربارهٔ آن،ارائه مواد برا ی قضاوت خوانندگان و تعمیم بیشتر آن جهت درك درستتـر ی از علـل وجـود فاصلـهٔ عمیـق بین نظر و عمل حکومت می باشد ،ولی بایـد این نکته را نیز قید کرد که پرچم منحیث وظیفهٔ زور نالستیك خویش، باینوسیله سوالهائی را در برابـر زندگی بشیوه موجود برای دهقانان حیات سیاسی، اجتماعی واقتصادی کشور . باساس آن عـا ملهای خودشان ، طـرح میتمایـد و اصولا انتظار باسخهای آن ازحکومت برده می شود .

## دخوست دغر غبست دلیسی

### ښو ونکو او زده کو ونکو مظاهره وکړه

له خوسته نه ړا رسیدلی خبرونه وایی چه د قوس یـه ۶ او ۷ ورځ د ښو ونځی زده کو ونکو ونکوهم له مظاهرې سره ملګری شول . د قوس په اومه ورځ د خوست ولسی خلك هم یـه مظاهره وو کړه شول او د زده کو ونکو مظا هره خوا سره یو ځای وکړی .

مظاهره کو ونکو د مظاهری په ترخ کښی دغږونکی اداری او استبداد پر ضد شعار وو نه او د ډیسی اداری و نشوی کولای چه د آزمو ینی د جریان له کیله ډیکتیا تو الی هم کلی وکړی . نو د لیسی مدیر و ولایت د عضی او قهر مورد شو او سمه سنی ډیکتیا توقیف نه له کیله مجبوره شوه چه د غرغښت دلیسی مدیر خوشی کړی .

خبر زیاتوی چه د غرغښت دلیسی ښاروړکو اوزده کو ونکو دښاغلـی عیدت شاه د خلا صون او حیثیت د اعادی لپاره سمدستی په مظاهری لاس پوری کړل او ور پسی د خړین او ملی بیار زو ګلك ملا تړ کوی .


دیاکستان دمحصلانو کار کړا نو تو ر و اصنا یو اوقضرو نـه د تظاهراتو اوعتصابو نو لمن ختیخ پاکستان ته ورسیده

دښر هر کو یو حیه خلو ویښا وو کښی ، دنیشنل عوامی پارټی مشر خان عبدالولی خان اوډ نومر ی ډ یافعی د جایینت سکر تر اجمل خټك اوډ بیشتو نستان د ډوډ له کیله مړ ه او لس کو نه کسان ټپیان شوی ۱ ډ بیړی بڼه شوه کسان بند یان شوی دی ، مظاهرې کـړا ونکـو د دمو کړا نیکو خلو قدمو او آزاد یو بادغدارو سره رو نه نور کول او یه اصلاح ډنښای نه منو کـړا مښی د ښیښو د ډنګو تو عوښتنه یې کوله.

ژ ډ را رسید لیو اطلاعا تو سره هم ځا پاکستان د جمهوری رئیس محمد ایوب خان د ډغا اجمل خټك او نورو د ولی خان له اجمل خټك او نورو سره د آزادی لپاره له تو لړ ممکنو وسا ئلو ډ ته استفاده وکړی .

بیشتونستان دملی لاړ ښود تکو یه هکله د پاکستان دحکومت دمستبدانه اقدام پر ضد سټری او کلکی مظاهری لاړو ابی دی .

ظاهر کو یو حیه خلو ویښا وو کښی ، دنیشنل عوامی پارټی مشر خان عبدالولی خان اوډ نومر ی ډ یافعی د جایینت سکر تر اجمل خټك او د ډوډ له کیله مړ ه او لس کو نه کسان ټپیان شوی ۱ ډ بیړی بڼه شوه کسان بند یان شوی دی ، مظاهرې کـړا ونکـو د دمو کړا نیکو خلو قدمو او آزاد یو بادغدارو سره رو نه نور کول او یه اصلاح ډنښای نه منو کـړا مښی د ښیښو د ډنګو تو عوښتنه یې کوله.

ژ ډ را رسید لیو اطلاعا تو سره هم د پاکستان د جمهوری رئیس محمد ایوب خان د ډغا اجمل خټك او نورو د ولی خان له اجمل خټك او نورو سره د آزادی لپاره له تو لړ ممکنو وسا ئلو ډ ته استفاده وکړی .

## په پاکستان کښی داستبداد پر ضد خلکو

### مبارزی پر اخیزی

دیاکستان دمحصلانو کار کړا نو تو ر و اصنا یو اوقضرو نـه د تظاهراتو اوعتصابو نو لمن ختیخ پاکستان ته ورسیده

دښر هر کو یو حیه خلو ویښا وو کښی ، دنیشنل عوامی پارټی مشر خان عبدالولی خان اوډ نومر ی ډ یافعی د جایینت سکر تر اجمل خټك او د ډوډ له کیله مړ ه او لس کو نه کسان ټپیان شوی ۱ ډ بیړی بڼه شوه کسان بند یان شوی دی ، مظاهرې کـړا ونکـو د دمو کړا نیکو خلو قدمو او آزاد یو بادغدارو سره رو نه نور کول او یه اصلاح ډنښای نه منو کـړا مښی د ښیښو د ډنګو تو عوښتنه یې کوله.

ژ ډ را رسید لیو اطلاعا تو سره هم د پاکستان د جمهوری رئیس محمد ایوب خان د ډغا اجمل خټك او نورو د ولی خان له اجمل خټك او نورو سره د آزادی لپاره له تو لړ ممکنو وسا ئلو ډ ته استفاده وکړی .

بکمال تا سف قسمت مړمی ۱ ژ قصر بزرګ و با شکوه ۱۵ را لاندی این محصول زحمتکو رنج خلق کارګرها ، این خاطره عصر نهضت جوان امانی ، این یاد عصر ما رژه آزادیبخش ضدتار تجاع واستعمارت به صورت مو ژ و غم انګیزی طعمه آتش گر دید .

برچم : سر گذشت تراژ یك این بنای تاریخی را در شماره آینـده تقدیم میکند .

از آکادمیترفی

-۷-

# تئوری علمی تکامل اجتماعی

## تاریخ جامعه بحیث تاریخ تکامل شیوه های تولید

### وتعویض حتمی یك شیوهٔ تولید با شیوهٔ دیگر

**جامعهٔ سرمایه داری :**

علامت مشخصهٔ نیرو های تو لید سرمایه داری عبارتست از تو لید ماشینی بزرگ که کارخانه های عظیم، استخراج معادن ذغال وفلزات،جای کار گاه ومانو فاکتور را میگیرد .نیرو های تو لید سر مایه داری اینطور تو صیف میگر دد :«دست یافتن به نیرو های طبیعت ، تو لید ماشینی ، بکار بردن کیمیا درصنایع وزراعت ، کشتی رانی ، راه آهن ،تلگراف ، آماده کردن سر زمین های وسیع برای زراعـت ، آماده کـردن رود خانه ها برای کشتی رانی، توده های وسیع اهالی که گویی از زمین روئیده اند ... » سرمایه داری در آغاز موجودیت خود ، در ظرف یکی دو قرن ، آنچنان تکاملی در نیروهای تولید ایجاد کرد که بمراتب بیشتر از سراسر تاریخ بشری بود .

یك چنین رشد سریع وبیسابقه نیرو های تو لید ، مولود مناسبات تولید سرمایه داری بود. اساس این مناسبات، مالکیت خصوصی بورژوائی است که به تدریج ،ولی بوجهی غلبه نا پذیر ،جای مالکیـت فئودالی را گرفت . در سر مایه داری کار گر از لحاظ قضائی آزاد است ،بزمین یـا بمو سسهٔ دیگری وابسته نیست او باین معنی آزاد است که میتواند آزدانه در نزد این یا آن سرمایه دار کار کند ، اما از بورژوازی بمثابه یك مجموعه ،آزاد نیست .کارگر که فاقدوسایل تولید است ، باید نیروی کارخودرا بفروشد و به استثمار تن در- دهد .

مناسبات تو لید سرمایه داری انگیزه یی برای تکامل تولید ایجا دکرد وآن انگیزه ، سود سرمایه ـ داری است . سرمایه دار برای کسب هرچه بیشتر سو د ، تو لیدراتوسعه می بخشد ، تکنیك را تکمیل میکند وتکنو لو ژی را درصنا یع وزراعت وسیعاً مورد استفاده قرار میدهد .امااین مناسبات نه تنها سطح تو لید را بالا آورد ، بلکه چنان نیرو ها ی تولیدی را ایجاد کردکـه سیستم سرمایه داری را به لبهٔ پر تگا ـ کشانید .

با رشد نیروهای تولید، مناسبات تولید سرمایه داری به مانعی دربرابر رشد این نیروها تبدیل گـردید . تضاد عمیق شیوهٔ تولید سرمایه ـ داری ، یعنی تضاد میان خصلت اجتماعی جریان تولید وشکل تملك سرمایه داری ، بروز کرد. تو لید در جامعهٔ سرمایه داری بطور وضوح خصلت اجتماعی دارد ، ولی ثمرهٔ زحمت آنها بدست مشتی صا حبان وسایل تولید می افتد . این تضاد، تضاد اساس سر ما یه داری است.

در اواخر قرن نزدهم سرمایه‌داری به امپریالیزم تبدیل گردید،که با لاـ ترین و آخر ین مرحلهٔ آنست. خصوصیت عمدهٔ امپریالیزم سلطهٔ انحصار هاست که جای رقا بت آزاد را گرفته است . انحصارها، عبارتند از اتحاد سرمایه داران کـه تو لیـد وفروش قسمت عمدهٔ این یا آن جنس را دراختیارمیگیرند. هدف انحصارها تحصیل سو د حد اکثر است .

امپریالیستها درجستجوی تحصیل سود ،استثـمار زحمتکشان کشور خود وخلقهای کشوز های مستعمره ونیمه مستعمره را شدت می بخشند. آنها با تقسیم جهان میان خود ،برای تقسیم مجددآن بمبارزهٔ بیرحمانه ئی علیه یکدیگر دست میزنند .

در شرایط امپریالیزم تمام تضادـ های جامعهٔ سرمایه داری بنها یت حدت خود میرسند و قبل از همهٔ، تضاد میان خصلت اجتماعی تو لید وشکل خصوصی تملك محصول.این تضاد به بحران وبیکاری می انجا مد، موجب تشدید مبارزه طبقاتی بورژوازی وکارگر میگردد. این تضاد، اساس اقتصادی انقلاب سوسیالیستی است. انقلاب پیروز مند سوسیا لیستی مناسبات تولید سرمایه داری رانابود میکند وشیوهٔ تولید سو سیالیستی را بر قرار میسازد .

(باقیدا رد )

آسه‌مائی

# حقوق اقتصادی واجتماعی کارگران

-۲-

## اتحادیه ها یا سندیکاهای کار گری

**در ایالات متحدهٔ امریکا :**

جریان تشکل طبقهٔ کارگر ایالات متحدهٔ امریکا دارای خصوصیات معینی است که از وضع اجتماعی و تاریخی آن کشور سر چشمه میگیرد .

در نیمهٔ اول قرن ۱۹ صنعـت ماشینی وزراعت تو سعه سر یعی یافت . وضع طبقهٔ کار گر ایالات متحدهٔ نیز مانند همه کشور هـای سرمایه داری آنزمان طاقت فـرسابود . کارگران زراعتی که اکثریت آنها را مهاجرین تشکیل میدادند ،به شیوهٔ بردگی استثمار میشدند .

اولین اتحادیهٔ کارگری در سال ۱۷۹۲ در شهر فلادلفیا تأسیس گردید و در اوائل قرن ۱۹ نیز در شهرهای بالتیمور ونیویارك و شهرهای دیگر اتحادیه های کار گـری دیگری بوجود آمد . در سالهای ۳۰ تعداد اتحادیهٔ کار گری و اعضای آنهارشد وانکشاف سریعتری یافتند.

مبارزه در راه تشکیل اتحادیه های کارگری در ایالات متحده بـادشواری های فراوانی همراه بود . کارفرمایان از نیروی دولتی علیه اتحادیه ها استفاده میکردند ، بـایکدیگر متحد میشدنـد تا اعضای تریدیونیون ها را بکار نپذیرند .

در جریان جنگ داخلی و پس ازآن تعداد اتحادیه های کار گـری افزایش قابل ملاحظه ئی یافت . در سال های ۷۰ و ۸۰ قرن ۱۹ نهضت اتحادیه ای در ایالات متحده باز هم بیشتر رشد نمود . در سال ۱۸۸۶ کارگران شیکاگو تصمیم گرفتند ،بخاطر افزایش دستمزد ، بـهبـودوضع کار ، تقلیل ساعات کار وآزادی های سندیکائی از روز اول ماه مـی دست به اعتصاب عمومی بزنند .درین روز بیش از ۳۵۰ هزار نفر کارگر در سرتاسر امریکا دست به اعتصاب زدند . سرمایه داران در مقابل این اعتصاب عمومی به ترور وحشیانه ئی متوسل شدند و عدهٔ بسیاری از کارگران شیکاگو رابقتل رسانیدند وده ها نفر از رهبران بنام آنهارا باز داشت ، محاکمه و زندانی نمودند . باهمه این رفتار وحشیانه بیش از ۱۸۵ هزار نفر از کار گران توانستند کار روزانه ۸ ساعته رابه کارفرمایان بقبولانند . این اعتصاب پیروزی بزرگی برای کارگران امریکا بود و تاثیر فراوانی به نهضـت اتحادیه ئی سایر کشورها نیز نمود.

بخاطر همین روز و قهرمانیهـای رهبران اتحادیه های کار گری امریکا بود که کنگره بین المللی دوم درسال ۱۸۸۹ روز اول مـاه مـی هـرسال را جشن همبستگی طبقهٔ کارگرجهان اعلام نمود .

در موقع جنگ دوم جهانی بـه استثنای فدراسیون کار امریکا که از قدیم وجود داشت . کنگرهٔ اتحادیه ـ های تولیدی باشش ملیون عضـو بوجود آمد . این اتحادیـه در راه مبارزه علیه فاشیزم و همکاری بـا اتحاد شوروی نقش قابل توجهـی ایفاء کرد . پس از جنگ در اثـر حملات انحصار ها و سرمایه مالی امریکا کنگره اتحادیه های تولیدی بافدراسیون کار امریکا متحد شدند وکنگرهٔ وحدت در دسامبر ۱۹۵۵ تشکیل گردید .

رهبران ارتجاعی اتحادیه ها در بسیاری موارد باانحصارها وسرمایه داران امریکا علیه کار گران همکاری مینمایند .

(باقیدارد)

(بقیه ص اول )

# باید اجازه داده نشود...

بحیث اکنون روی صحنه وسیلـهٔ پیشبرد و اجرای پلان شومی بـوده که در خارج از اسرائیل طرح و تنظیم شده بود . گرچه امپریالیستها سعی می‌ورزند با تبلیغات دامنه دار خود بروی حقایق پرده انداختـه ، پرابلم شرق میانه را بطور ساده به سطح نزاع بین اعراب و اسرائیـل تنزل دهند و پای خودرا از نزاع شرق‌میانه بکشند ، ولی واقعیت‌امر نشان میدهد که سیاست اسرائیل جزئی از ستراتیژی عمومی امپریالیزم جهانی میباشد . جنگ شرق‌میانه وجنگ ویتنام حلقه های جداگانه عین زنجیر استند . آنها جنگهائی میباشند که از روی پلان مرتبه واحد امپریالیستی در پهلوی جنگ سرد، علیه جنبش آزادی بخش خلقهـای آسیا و افریقا و کشور های جوان ملی ضد امپریالیستی این قاره ها پیش برده میشوند .

جنگ بین اعراب و اسرائیل در حقیقت جنگیست ، علیه جنبش آزادی ملی ودیگر جنبش های مترقی ضد امپریالیستی در شرق میانه . ساده ساختن موضوع بسطح نزاع محدود بین اسرائیل و اعراب و مسوول قرار دادن اسرائیل به تنهائی ، در حقیقت علت را بجای معلول قراردادن است .

اگر جهانیان و بخصوص سازمان ملل متحد باز هم دست زیر الاشه نشسته ، بگذارند که متجاوز ازآنچه ازراه تجاوز بدست آورده ، بهره‌ـ برداری نماید ، نه‌تنها از پرستیژ باقیمانده موسسه ملل متحد چیز ی باقی نخواهد ماند ، بلکه تجاوز را در دیگر گوشه های جهان تشویـق خواهد کرد و جای حقوق و مقررات بین الدول راقانون جنگل ، قا نو ن زور و قوت خواهد گرفت .

کشور های اسلامی بطور عموم ودول عربی بطور خاص باید بدانند که پروبلم شرق میانه مظهر سیاست جهانی امپریالیزم بین‌المللی است و مبارزه در راه حل این پرابلم جز در یك جبههٔ وسیع‌تمام نیروهای‌ملی و مترقی ضد امپریالیستی از اقصی شرق‌میانه تا اقصی غرب و در اتحاد بادول ضد امپریالیستی امکان پذیر نیست .

تمام کشور های مسلمان منجمله کشور ما و بخصوص آن محافل حاکمه در کشور های عربی و غیر عرب که بنابر تعصب ایدیولوژیکی ومنافع طبقاتی ضد ملی خویش‌هنوز دست از دامان امپریالیزم برنداشته‌اند و سرزمین های متعلق به خود را به پایگاه نظا می امپریا لیزم مبدل ساخته‌اند ، باید آگاه باشند کـه «امپریالیزم جز منافع دائمی دوست دائمی نمی شناسد » طوریکه هیأت حاکمه اردن با تمام سوابق دوستی وخویشاوندی با امپریالیزم ازلگد و ضربه او بر کنار نماند و ده ها دوست وفادار دیگر خودرا چون نگودین دیم در ویتنام جنوبی وسنگ منری در کوریای جنوبی قربان منافع امپریالیستی خود نمود ، پس که خواهد بود که از نعمت دوستی دائمی امپریالیزم برخوردار ماند ؟ بطوریقین هیچ کس.

باید از واقعات درس عبرت گرفت وکاری نکرد که در پیشگاه قضاوت تاریخ و نسلهای آینده محکوم بود.

خواست صلح جهانی و منافـع کلیـه ملل آزاد شده از اسار ت امپریالیزم در این لحظه حساس که امپریالیزم بین‌المللی در پردهٔ حمایت از حق موجودیت دولت اسرائیـل ولی در حقیقت بمنظور از بین بردن دولتهای جوان ملی ضد امپریالیستی در سوریه ، جمهوریت متحد عرب ، الجزایر و عراق و تسلط یافتن بـر منابع سرشار نفت شرق میانه وحفظ منافع نظامی خویش در آن گوشهٔ جهان ، صلح را در خطر انداختـه است . بنابرآن بر نیروهای صلـح است که تا فرصت باقیست اجازه ندهند که امپریالیزم و صیهونیت با استفاده از نفاق و انشعاب در جبههٔ مبارزه ضد امپریالیستی اعـراب بـار دیگر آتش جنگ را در شرق میانه بر افروزد و باینصورت قسماً شکست خودرا در جبههٔ ویتنام ، در اینجا تلافی نماید .

یکی از نامه‌های رسیده ازدوستان خلق

بدون تصرف

## کوبنده ترین سلاح

بگر دانند گان جریدهٔ نیرو مند پرچم ، ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغا نستان !

ذریعهٔ این نامه پیروزی در خشان شما و تمام اشتراك کنند گان د ر تظا هرات علیه قانون پو هنتونها و معارف را تبریك میگو ییم ;

من و رفقای همرزم من ، اتحاد وهمبستگی تمام نیرو هـای صدیق کشور را بزر گترین و کوبنده ترین سلاح برضد عناصر ار تجاعی و ضد مردمی افغانستان درك نموده ایم .

ما علی رغم آنا نیکه تا یکروز قبل از اعلام پیروزی تظاهرات شکوهمند اخیر ، به صورت خائنا نه با تحا دنیرو های مردم حمله ورمی شد ند و بـه پیروزی آن ایمان ندا شتنه ، آنرا «کلید موفقیت» میدا نستیم .

پیروزی تـا بنـاك و در خشندهٔ جوا نـان ، سلی تکانـد هنده ای بر گونهٔ مغر ضین و منحر فین نواخت ویکبار دیگر سیمای نفاق افگنان و خائنین اتحاد را عریان ساخت ونشانداد که چگو نه میخوا هند د ر زیر پردهٔ شعار های انقلابی نما (آب به آسیاب) خصم آشتی ناپذید خلق بر یزند .

من ورفقای همرزم من ،اتحاد باجریان نیرو مند دموکرا تیك خلق را ضا من پیروزی خلقهای افغانستان دانسته و وازونـهٔ آن ، اعمال ضد جریان دمو کراتیك خلق را ، اعمال ضد خلق ، ضد جوا نان و ضد وطنپر ستان شجاع کشور میدا نیم .

ـ بگذار اتحاد نیرو هـای خلق استحکام پذیرد !

ـ زنده باد اتـحاد وهمبستگی !

ن.نبرد

از(ص اول )

# در باره ضرورت تاریخی...

**ضرورت تاریخی حل مسأله ارضی:**

مهمترین وطبیعی ترین خوا ست جنبش آزادیبخش ملی خلق افغانستان بعداز تحصیل استقلال سیا سی اصلاحات اساسی ارضی بوده است. به همین جهت یکی از علل دا خلی ـ بروز اغتشاش حبیب اله (۱۳۰۷) را عدم اعتناء به خواست دهقانان وعدم حل مساله ارضی در کشور تشکیل میداد.

در شرایط کنونی کشور ما همچنان اکثریت عظیم اهالی افغانستان بکار زراعتی اشتغال دارند و بیش ازسه ـ ثلث مجموع عاید ملی ما را سهم تولید زراعتی احتوا میکند .

اکنون مسالهٔ ارضی در وطن مـا بحدنی رسیده است که دیگر ـ حتی برخی ازمحافل حاکمهٔ افغانستان هم ناگزیر است که اصطلاح «اصلاح ارضی ، ورد «ملوك الطوایفی و ـ فئودالیزم » را لفظاً بکار ببرند .

**سوال عمده در اینجاست که چرا حل‌مساله ارضی یك ضرورت تاریخی بشمار میرود ؟**

قبل از اینکه به پاسخ موجز علمی وعینی این سوال بپردازیم ، لازم‌می‌ افتد تا خاطر نشان سازیم که پس از جنگ دوم جهانی حل‌مساله‌ارضی در کشور های کم رشد بند ریج دردستور روزقرار گرفت .در عده‌ زیادی ازکشورهای آسیایی، افریقایی وامریکا لاتین، بشمول کشور های اسلامی (جمهو ریت متحد عرب، الجزایر ، سوریه ، عراق ،ترکیه ، ایران ، تونس) به اشکال وسو یه های مختلف اصلاحات ارضی بعمل آمد وهنوز هم ادامه دارد که محافل وقدرت حاکمهٔ مسلمان افغانستان‌نیز میتواند از آن بیا موزد (!)

اکنون بجواب میپردازیم .

**حل مسأله ارضی در کشوربنابر دلایل کلی ذیل یك ضرورت تاریخی بشمار میرود .**

۱ـ نظام فرتوت ستمگرانهٔ فئودا لی (رژیم ارباب رعیتی) که در قسمت اعظم کشور قویاً مسلط است (البته بادر نظرگرفتن نظام ماقبل فئودالی، عشیروی و قبیله وی در قسمت‌های جنوبی وشرقی کشور وبورژوازی ـ ضعیف در شهر ها)، مانع عمدهٔ رشد وتکامل اقتصادی افغانستان‌میباشد. یکی از مهمترین عوامل عقب ماندگی افغانستان بطور کلی در وجود خصلت نیمه فئودالی جامعه وتسلط نظام فئودالی در اقتصاد زر اعتی افغانستان است . درك این مسالـه بسیار ساده است ، در شرایطیکه اکثریت عظیم جمعیت دهقانان افغانستان بکلی فاقد زمین استنـد وپاکم زمین اند وقسمت اعظم زمینهای زیرکشت متعلق بیك گروه نا چیز مالکان ستمگر میبا شد، پس چطور دهقانانی که دسترنج آنها جا برانه غا رت میشود میتو انند به ازدیاد محصول علاقه بگیرند ویا مالکانی که از بهره‌کشی دهقانان زندگی‌طفیلی دارند به بهبود سطح تـو لیدات زراعتی توجه کنند .در چنین‌شرایط نتیجهٔ جبری معلوم است : فـقر کمرشکن‌دهقانان،کهنه بودن وسایل تولید زراعتی وپائین بودن سطح تولید زراعتی . باز هم با چنین‌وضع چطور میتوان به رشد صنایع کشور امید وار بود . صنعت به مـواد خام زراعتی وبه بازار وسیـع داخلی وـ نیروی کار نیاز منداست . درحالیکه روز بروز تولید مواد خام زراعتـی کشور به سطح شرم آوری نـزول میکند ، فقرتوده های عظیم دهقانان، قوهٔ خرید تولیدات صنعتی را از بین میبرد . پس در این صورت‌طبیعـی است که باید امکانات رشد سر یـع صنعت درکشور محدود و محدود تر گردد ،تا بقیمت رنـج های عـظیم دهقانان وعقب مـاندگی اقتصا دی افغانستان ، طبقـهٔ حاکمه ار تجاعی کشور برندگی سیاه خود ادامـه دهد .

بدین جهت ضرورت‌تاریخی ولزوم از بین بردن مانع عمدهٔ رشد وتکامل ا قتصاد ی و ایجا د صنا یع ملی افغانستان حکم می نماید کـه نظام اقتصادی فئو دالی ازطریق اصلاحات عمیق ارضی وآزاد کردن دهـقانا ن از اسارت با واگذاری مجا نی‌زمین بدهقانان ، ریشه‌کن گردد .

(ص ۳)



# اختر مبارکی

گرانی ....!

نن د اختر ورځ ده او زه په اوږ دو اند ینبنو کښی ایران ناست یم . خو له می دغم پیاوړ و منگو لو تړلی ده او دا امکان یی له ما اخیستی دی چه اختر مبارکی در کړم .

کله چه تاپه اوږدو اند ینبنو کښی ډوب و لیدم داسی فکر در پیدا شو چه زه به بیا دچا دشو خو نظر ونو غیشو ژوبل کړی یم ، او دا ځکه چه تا زما دمینی دسمندر سر کښی ځپی لیدلی دی او پدی پوهیږی چه زه شاعر یم . زه ونه خو ځیدم ، نه پوهیدم چه ځنگه د خپلو نا کرارو او ژوبلو اند ینبنو غمجن تصو یر در وښیم ، نو هما غسی گونگ پاتـی شوم او لا تر اوسه می ستا د هغی نا میندی لپاره زړه سوځی .

ما وبخښه ! زه شاعر یم کله ،کله د اند ینبنو په نیلی سپر یږم او له تاسو ځخه تښتم .داسی شیبی ډیری راغلی دی چه ز ه ستا سو په‌مینځ کښی ناست یم مگر حواس می دوطن دلوړو غرو نو د پاسه د وریځو هغه یـر غلو نه ځاری چه دسر کښو سیلا وو نو په خیر ، مخ په ځوړه د درو پـه ناوو کښی ځغـلی او د بزگرانو په کلیو کو رو نو ور دانگی.

هغه وخت چه لړی د غر نیـو وطنوالو پـر سیمـه وغوړیږی ، د بادو نو او تو فان کړ یکی می تـر غوږ شی ، پدی وخت کښی می‌ستر گی هغه بوډا بزگر ځاری چه د تورو لړو او توفان په چپا وکی د کلی لار ور که کړی او د مرگ ژورو گړ نگو نـو ته ولو یږی ، دی بیا هیڅکله خپل کور نه وینی او د هغو ماشو مانـو نغړی هیڅکله نه تو دیږی چه د خپل سر سیوری یی دتل لپاره بایللی دی.

گرا نی ! ستا لپاره پدی خبر و پو هیدل گران کار دی او دا ځکه چه تاد زمی په‌خپلو کښی‌یبلی پښتی له گودر ځخه اوبه ندی راوړی او په کلی کښی دی د رویزه نده کـړی .

تا د خان په کروندی کښی وړی ندی ټول کړی او پردی بارو نه دی ندی چلولی . تا دهغه پلار په مرگ ندی ژړلی چه په‌غرو کښی تور مارچیچلی او یا خونی پړانگ چیرلی وی . تا داسی وروز نه در لود چه زور وړی خو له او سر و ز ما ت کړی وی او بی کښا تـه پا تی شوی وی تا داسی خور نه لرله چه په زبردستی له کوره بیول شوی او واده شوی وی. نوځکه دخو ښیو په‌شیبو کښی زما دغمجنی چو پیا پـه راز نشی پوهیدای او زما په باره کښی تـور شکو نه در پیدا کیږی .

که زه پخپله خو ښه وای ،ما بـه اختر نه وکړی او چاته به می د هغه مبارکی نه وه ویلی .

همدا اوس چه نه داختر غرمی ته پخلی کوی ، زموږ د گنو ولسو نو زیا تره کو رو نه د لوږی او نیستی په اورکښی سوځی او له موږ ځخه دجلا والی احساس کوی .

زه له دی جلا والی ځخه سخت شر میږم او هیله لرم داسی زلزلی را وبا ریږی چه زموږ او دوی تر مینځ دا پولی او د یوا لو نه ونړوی او موږ له دوی سره تر یوه بام لاندی په یوه رغولی کینوی .

پرونـۍ کال په همدی ورځو کښی یوی ما شومی نجلی په کوځه کښی زموږ د کو چنی «وړی» کالیو تـه ایران ، ایران کتل او ما دهغی په ستر گو کښی د نـا میند یـو ا و محرو میت غمجن تصویرو نه‌له وړایه لیدل .

سږکال به بیا ملیو نونه ما شومان زموږ په هیواد کښی د بډا یانـو د زامنو کا لیو ته په حسرت وگوری او ورته وبه سوځی . په ښارو نو کی به د لوږو ما ښو نه د پلا ونـو او عطرو نو وږمی په لویو واټونو کښی بیا ډیر بیوز له لاروی وځوروی . د سپینو او ښکلیو خونو د ننه بـه ډیری شتمنی او مستی پیغلی دخپلو عا شقا نو په محفل کښی ونځیری او په همد غو شیبو کښی به ډیر مز دوران د لوږی او مر ضو نو په تبو کښی وسوځی . دادی زموږ اختر او داده زموږ د ځیرن ژوند واقعی ځیره !

نه پو هیږم چه مو ز و لی پـد ی اخترو نو ځان غولوو او هغوی تـه هرکلی وایو ؟

زه شر میږم چه تاتـه د دا سی خوښیو مبارکی ور کړم .

راځه گرانی لکه ځنگه چه ما ستا مینه له خپلی وینی سره اخښلی ده، نه هم زما ار ما نو نه له خپلی و ینی سره گډ کړه او اجازه را کړه چه ددی اختر د تر خو شیبو د اسا نولو له پاره هغه اور ستا په زړه کښی ولگوم ، کوم چه‌د هلکتوب له ورځو یـی تـر او سه پـور ی زما په کوگل .کښی لمبی وهلی او ز ه‌یی ځوږولی یم .

راځه په عبښو خو ښیو کښی د گډون پر ځای هغه غمونه د وطن له محرو مو خلکو سره ووېشو چه د خو تنو داړه ،ډارا نو له خوا پر هغوی باندی بار شو یدی .

راځه له ځانه ووزو او د بشری نړی د ناپایه سمندر له ځپو سره یو او ابدی شو .

راځه په گډه د زمانی هغه سندری خوری کړو چه په درو او کلیو کښی د نیکمر غی ، زیری خپـر وی ا و ولسو نو ته دمبارزی زړه او د بری ایمان ور کوی .

راځه هغو انسانی سیلاوو نو ته لار پرانیزو چه د ماڼیو د خا وندا نو زړونه رپږدوی او د طبعیت د ایلو لو تر پولی پوری دمنډی میدان لری .

که ته د همدماسی پراوو نو پـه لنډو لو کښی زما سره ملگری شی ، زه حاضر یم چه ددی سفر په هرگام کښی تاته مبارکی در کړم .

سپنتا

از (ص اول)

# اعترافات صدراعظم...

**هزار کارگر زحمتکش رابه نفـع صاحبان زور وزر ، بـه صورت آشکارا زیر پا نموده اند .**

**همچنان بعضی از اعضای حکومت از طریق تحریك جراید و گروهـهای سیاسی و مرتجعین علیه صدیقترین فرزندان خلق وجریانات صدیق ملی و مترقی عملا به دسته بـنـدیهای سیاسی پیوستند .**

ـ «... پیشبرد امور و انـجام شایسته وظایف وقتی تأمین شـده میتواند که در آن همه مردمان کشور با احساس سهیم بـودن در حـدود وظایف شان با صمیمت برای خدمت نه برای یکدسته ویایك جمعیت بلکه برای خدمت بوطن عزیز وتأ مـیـن مرامهای ملی بصورت مجموعی ازراه نظام دموکراسی ، اشتراك مسا عی نمایند...مامعتقدیم اعمار وطن منوط به نیروی دانش وپشت کار جوانان و نیز درایت ، خبرت ودور اندیشی مردمان با تجربه ماست که همه باهم مزج گردیده قدرت ملی ما راتشکیل وما را از فردای بهتر مـطمئـن می سازد .»

**سوال : این آرزو که از «مردمان کشور» به عمل آمده است . چـرا حکومت خودش وسیله حفظ منا فع یك دستهٔ کوچك طبقهٔ حاکمهٔ فئودال ومرتجعین قرار می گیرد ، نه‌وسیلهٔ تأمین مرامهای‌ملی از راه تحقق نظام واقعاً دموکراسی ؟**

**اصول مرامهای ملی ودمو کراسی واضع مبرهن است کـه همیشـه «پرچم» به تحلیل علمی و عینی آن میپردازد . مثلا: آیا اجرای اصلاحات دموکراتیك ارضی یکی از مرامهای ملی و دموکراتیك بشمار نمیرود؟... وهمچنان چرا نیروی دانش وپشت کار جوانان که «قدرت» مارا تشکیل میدهند ، بصورت ثمر بخش بکـار انداخته نمیشود ، بالعکس هر روز علیه جوانان وطنپـرسـت کـشـور تضیقات ضبط احولات وپـو لیـس ارتجاع بشیوهٔ «سکات لیندیارد » و سی.آی.ای در جریان است .**

ـ «... ما میدانیم کـه در یـك ساحه دشوارو زحمت طلب پاگذارده‌ایم وباید مساعی شبا روزی خودرابکار بریم تا در تأمین آن انـتـظارات و توقعات واقعبینا نه که برآوردن آن مقدو ر و میسر است ، خـد متـی نمائیم .»

**سوال: سوال دراینجاست که‌آیا واقعاً اعضای حکومت مساعی‌شبا ـ روزی خودرابکار میبرندتا انتظارات وتوقعات واقعبینانه خلق‌افغانستا ن را تأمین نمایند و به مردم خد مت کنند ؟**

**اگر چنین است پس چرا صدای اعتراضات و شکایات توده های‌عظیم مردم افغانستان روز تا روزبلند تر میشود ؟**

ـ «... ماهدف و نشانهٔ خـودرا بلند و عالی تعیین کرده ایم وبـا تشخیص اهداف ملی هر انـدازه خدمتی راکه پشتیبانی مردمان‌کشور و نمایندگان ملت برای ما مقدور و میسر باشد انجام خواهیم داد .»

**سوال : کدام هدف بلند و عالی؟ کدام‌اهداف‌ملی ؟اکنون‌وقت‌آن رسیده که توضیح گردد .**

ـ «... اهمیت و حساسیت‌نقشی را که‌جریان زمان بما سپرده اسـت بخوبی درك میکنیم امیدواریم نتیجهٔ سهمگیری مادر حیات ملی کشو ر بطوری تبارز کند که برای وطن‌عزیز سالم ، سود مند و مثمر باشد .»

**سوال: آیا تاکنون سهمگیر ی‌و خدمت حکومت برای سعادت وطن و مردم در حیات ملی کشور واقعاً سالم ، بلند ، سودمند ومثمر تلقی شده می‌تواند ؟**

ـ «... یگانه آرزوی ما خد مت مفید برای سعادت وطن وبه مـردم کشور است .قانون اساسی ما حکم میکند برائت ذمه حالت اصلی است به موجب آن الزام باید مستدل و مستند باشد ورنه ، نـه تنها از عدالت و انصاف دور خواهد بـود بلکه اگر به عناصر فعال و صاد ق وطن اصابت کند به عزیز تـر یـن ثروت ملی کشور صدمه خـوا هـد رسانید .»

**سوال : بسیار عالی (!) سوا ل جدی و مشخصی طرح میگـردد . آیا طبق قانون اساسی از عـدا لت وانصاف دور نیست که صد هـا کار گر فعال وصادق وطن ، بـدون جرم ازکار های ثمربخش بـرا ی وطن ، از فا بریکه و پر وژه هـای ساختمانی اخراج شده اند وبـدون موجب ، آبهم درائر فشار و توطئه والزامات نادرست وخلاف قانون و بشیوه قرون و سطا ئی واستبداد شرقی عبدالقدوس کار گرفا بریکه نساجی گلبهار رابه صورت جعلـی سجل میکنند وبز ندان میاندازند و صدها مثال زندهٔ دیگر که این اظهار را نقض میکند . مردم جـوا ب میخواهند .**

ـ«... آنانیکه به ناراستی میگرایند واز راه وظیفه منحرف می شو نـد سزا وار آنند کـه قانوناً تعقیب و بشد مورد مجا زات قرار بگیر ند.»

**سوال: آیا تاکنون هیچ یـك از ماموران عالی رتبه دستگاه اداری و اعضای حکومت از وظیفه منحر ف نشده اند که مورد مـجازات قـرار بگیرند ؟ مردم فریاد میکشند کـه صد ها انحراف مشهود ما مو ران دولت وجود دارد ، که نه تنها مورد مجازات قرار نمی گیرند، بلـکـه مورد نوازش وحمایت نیز وا قـع می شوند .**

ـ«قضاوت ما در هر دو حـال باید مستند مجرد و عاری از هرنوع غرض وجنبه های شخصی باشد .»

**سوال: آیا عملا قضاوت اعضا ی حکومت مجرد وعاری از هر نـوع غرض وجنبه های شخصی می‌باشد؟ اگر چنین است ، پس چرا عـلیـه نیرو های صدیق ملی و متر قـی کشور توطئه میکنند ؟**

ـ «... همچنین بیـن اعضای حکومت و اینجانب بجز تعهدصمیمی خدمتگزاری بی شائبه و مجرد برای وطن عزیز مقاوله و قرار دیـگـر ی موجود نیست . هر یـك از ایشان تا زمانی همکار من خواهند بود و من با ایشان همکار خوا هـم بود که در ایفای‌این تعهدات استوار بمانند.»

**سوال: افکار عامـه قضاوت و سوال میکند که بعضی از اعضا ی مقتدر حکومت بشاغلی اعتمادی در ایفای تعهدات خود استوار نیستند. پس چرا بشاغلی اعتمادی با ایشا ن همکاری خودرا دوام میدهند ؟**

ـ«... ما کرسی ووظیفه را در راه خدمت بکار وطن قبول کرده‌ایم ونه کر سی ووظیفه رادر خدمت خود اگر ما به خود این اطمـیـنـان را نمیداشتیم که قبول مسئو لیت‌امور حکومت ایجاب آنرا میکندکه سلامت جامعه سعادت و ترقی مردم مقدمتر از همه خواستها وامیال شخصـی وفردی قرار داده شود هیچگاه بـه قبول این وظیفه خطـیر جـرأ ت نمیکردیم .»

**سوال: آیا میتوان مدعی شد که سلامت جامعه و ترقی مردم برامیال شخصی ترجیح داده شده بـاشد ؟ وآن چه نوع ترقی است که تاکنون نصیب مردم شده است ؟ هـر گاه فرضاً شخص بشاغلی اعتمادی چنین احساسی داشته باشد آیا به معنی آن بوده میتواند که همه اعضا ی حکومت امیال شخصی خودرا، که یگانه مسأله مورد دلچسپی آنانست، در برابر منافع مـردم در نـظـر نمی گیرند .**

ـ « ... ما حدود توان ونا توانی خودرا بحیث یك بشر نیز میدا نیم وبه نیکوئی درك میکنیم مانند همـه انسا نهای دیگر نا رسائیهائی داریم از ما نباید اعجاز و کارهای‌خارق ـ العاده انتظار داشت .»

**سوال : ضرورت بـه اعـجاز و کارهای خارق‌العاده نیست .آیادر همین مدت، عادی ترین نیازمندیهای مردم بـر آور ده شده است ؟**

ـ «... ما نیز با احتیاجات ،دردـ ها و نیاز مندیهای بیشمار امروز وطن ...بخوبی‌آشنایی باشیم »

**سوال : آیا کافیست که احتیاجات وآرزو های مردم فقط درك شود . گامهای عملی که برای مرتفع‌ساختن این احتیاجات بر داشته شده باشد، کدا مند ؟**

(ادامه دارد)

از (ص ۲)

# در باره ضرورت تاریخی...

۲ ـ امروز افغانستان بمشکل‌حاد خوار وبار دچار است ، در حالیکه در گذشته‌حتی غله وگوشت بخارج صادر میکرد، ولی امروز کشور مـا مجبور است مرتباً گندم، شکر وـ روغن نباتی وغیره مایحتاج غذائـی مردم را از خارج وارد کند. لذا حل مساله ارضی فقط از طریق اصلاحات عمیق ارضی وجنبش وسیع دهقانی میتواند صورت‌گیرد . بقایای رژیم‌ـ قرون وسطایی کـه سد راه ترقـی نیرو های مولـده اسـتنند از میا ن برداشته شود و مشکل خوار وبـار در کشور حل گردد .

۳ـ دهقانان افغانستان که تحـت شرایط بسیار سختی دردهات بسرـ میبرند ، بامید یافتن کار وزند گـی بهتر گروه‌ـ گروه بشهر ها مهاجرت میکنند . این مهاجرت ها از یـکسو مصرف محصولات‌زراعتی رادرشهرها افزایش می‌بخشد و از سوی دیگر روز بـرو ز از قـد رت تو لیـد زرا عتـی میکا هـد و تـضا د بین شهر وده را تشدید میکند واز‌ـ آنجائیکه در شهر ها نیز کار پیدا‌ـ نمیشود ، در لشکر عظیم بیـکا ران افزایش بعمل میآید وکشور دچار ـ بحران میگردد . ایـن وضع دٔلیـل دیگری است بـرای ضرورت حل ـ اساسی وضروری مسأله ارضی درـ کشور .

۴ـ نکته مهم دیگری‌که ضرورت حل مسأله ارضی را مطرح میسازد همانا درهم پیچیـدن طـومار نفوذـ امپریالیزم بصورت قاطع وکا مل از‌ـ کشور میباشد . امپریالیزم پیوسته بمنظور غارت‌کشورما، اسارت‌خلق‌ـ ما وحفظ تسلط خود در وطن‌ما، درـ امر عقب ماندگی قرون وسطائی‌وطن ما و در سر کوب کـردن جنبـش ـ آزادیبخش ملی ودمو کراتیك خلـق مانفع مستقیم وانفکاك ناپذیر دارد وبنابر این همیشه در صدد اتحـاد باآن پایگاههای داخلی میباشد ،که آنهانیز، درین عقب ماند گی واسارت خلق کشور ما ذینفع استنـد . در شرایط کنونی کشورما ملاکین‌بزرگ فئودال ومتحدین‌طبقاتی وی(سرمایه داران دلال خارجی وسرمایه دارا ن ملاك بیروکرات) قوی ترین‌تکیه‌گاه‌ـ های سیاه وجبار برای امپریالیـزم بین المللی ، این سیستم انحصار گر کشور های سرمایه داری میباشد . همین اتحاد سیاه ننگین است که کشورما را محکوم به عقب ماند گی قرون وسطائی گردانیده است .

در اوضاع واحوال‌کنونی یکی از راههای نجات بخش ملی خلق ووطن ما از یوغ ستم این دشمنان داخلی وخارجی، هما ناضرورت‌درهم‌شکستن این اتحاد ارتجاعی از طریق حـل‌ـ اساسی‌مساله‌ارضی‌واجرای‌اصلاحات عمیق‌ارضی‌وتحکیم واستقرار‌استقلال ملی درکشور است .

۵ـ نظام فئودالی افغانستان یکی از موانع عمده بـسط وتوسعهـ دموکر اسی وآزا دیهای وسیـع‌ـ دموکراتیك مردم بشمار میرود ،تاـ مناسبات‌اقتصادی ومؤسسات‌فئودالی ونفوذ امپریالیزم در کشور ما پابرـ جاست ، حتی نمیتوان از تطبیـق آزادیهای مصرح د رقانون اسا سی اطمینان حاصل کرد. طوریکه حقایق روز مبین نظر ماست قا نون اسا سی وبه اصطلاح «دموکراسی» مـ وجو د در کشـو ر بطور عمد ه وسیله یی برای بقاء واستحکام طبقه حاکمـه ارتجاعی ومحافل سیاسی‌وخشمگین مربوط به آن ووسیله اجرای منا فع اقتصادی وسیاسی یك گروه کو چك وناچیز آن ووسیله سر کوب‌جنبشـ های رهائی بخش دمو کراتیك‌وملی خلق افغانستان ( هرگاه حاشیه بی فوق العاده باریك وتنگ اسـتفاده نیرو های ملی ومترقی کشـور را استثناقراردهیم)میباشد .تجربه‌مبرم تاریخ نشان میدهد تا پایگا هـهای فئودالیزم و امپریالیزم در کشوراز‌ـ بین برده نـشود ، امکـانات رشد وتکامل دموکراسی بـنفع اکثریـت عظیم خلق در جا معه امکان پـذ یر نیست . لذا تطبیق آزادیهای مصرح در قا نون اساسی در وضع کنو نی خاصتاً وتأمین دموکراسی وآزادیهای دموکراتیك مردم عموماً ، حکم می‌ـ نماید که باید جهت الغاءنظا ما ت وبقایای‌مسلط فئودالی‌ومحوپایگاههای امپریالیزم درکشور مساله ارضی از ریشه حل واصلا حات عمیق ار ضی اجرا گردد .

۶ـ نظام فئودالی راه هرنوع‌ترقی اجتماعی را برکشورما مسدودوساخته است .

جای هیچگونه تر دیدی نیست‌که نظام فئودالی یکی از عوامل عمد ه فقر ، بیسوادی ،بیماری ،بیخانگی، کم غذایی ملیونها جمعیت دهقا نـی کشور است . ظلم وستمگری بی‌ـ حدو حصر مـلاکین فئودال ،زدن، کشتن ، سو زاندن ، داغ کـرد ن ، حبس ، تبعید جبری وشکنجه کردن صدهاوهزارهادهقان‌ازجانب‌متنفذین ومرتجعین محلی در زمـره حوادث مشهود روز مـره بشمار میـرود . ملا کین فئودال ،مستبدین ومرتجعین محلی با تکیه به نیروی اقتصا دی خود واستفاده از قدرت سیا سی‌خود در دستگاه قوای سه گانه‌دو لت در‌ـ برابر هر گونه تر قی اجتمـاعـی ، تنور وافکارمترقی‌باقساوت‌ووحشت مقاومت کرده ومیکند تا جلو رشد آزادی ملی ، ترقی وعدالت اجتما عی را در کشـور بگیرند . بدین جهـت حل مساله ارضی از طریق اصلاحات عمیق ارضی نه تنها یك ضرورت مبرم ملی و دموکراتیك بشمارمیرود، بلکه برای تأمین ترقی اجتماعی نیز ضرورت است .

۷ـ نیروی دمـو کراتیك خلق افغانستان برای نخستین مرتبه بـاـ تحلیل علمی جا معه ملی خود، دورـ نمای نوین و وسیعی را در برابر خلق وطن ما گشود . پر چمـداران دموکراتیك خلق افغا نـستان درـ روشنی اصول جهان بینـی علمـی وانطباق خلاق آن در شرایط تاریخی افغا نستان نشان دادکه امپر یالیزم وفئودالیزم دراتحاد بایکدیگردشمنان داخلی وخارجی خلق اند و درحفظ عقب ماندگی واسارت کشور ماذینفع استند وتضاد های عمده‌جامعه مارا تشکیل مید هند .

لذا رسا لت تا ریخی ماست تا بمقصد حل این دو تضاد عمـده آشتی‌ناپذیر، بصورت‌قطع بحاکمیت فئودالیزم و نفوذ امپریالیزم د روطن ماخاتمه داده شود ،که البته ایـن‌امر عظیم تاریخی تنها از راه ایجاد یك تحول کیفی وبنیادی درجامعه،ازراه به انجام رساندن جنبش دموکراتیك وملی در کشور امکان پـذیر است که حل مسأله ارضی مضمون عمده آن را تشکیل میدهد. زیرا بـد ون حل مسأله ارضی ( ازطریق‌اصلاحات عمیق ارضی ) اصلاحـات بـنیادی واساسی‌اقتصادی‌واجتماعی‌وسیاسی وفرهنگی ممکن نیست .

**مؤجز اینکه :**

از آنجائیکه در شرایط کنو نـی تاریخی کشور ما دهقانان یکـی از دو نیروی اساسی جنبش‌دموکراتیك وملی اند ، بنا بر این بدون تکیه‌به‌ـ نیروی عظیم دهقانان ،بدون انـجام اصلاحات اساسی ارضی، باشتراك فعال همه دهقا نان و بنفع کا مـل دهقا نان ، به پیروزی رسانـد ن مبارزه آزادیبخش ملی واجتماعی ضد فئودالیزم وضد امپریالیزم غیر ممکن است . و لی باید خاطر نشان‌ساخت که‌دهقانان بدون‌اتحاد باطبقه کارگرو دیگرنیروهای دموکراتیك‌وملی قا در نیستند به تنهائی‌جنبش رابه‌پیروزی برسانند . اتحاد همه نیرو ها ئـی که در ریشه کن سا ختـن تسلط‌ـ امپریالیزم والغای نظا مات وبقا یای فئودالی ذینفع اند، یك ضر ور ت تاریخی شرایط جامعه ماست . درـ شرایط کنونی بدون ایجاد یك جبهه متحد دموکراتیك ملی وبدون ایجاد حکومت دموکراتیك ملی ، تحقق‌حل مساله ارضی ممکن نیست .

پرچمد اران دمـوکرا تیك خلق افغانستان با خطوط درشت **تاکیـد میکنند :**

از آنجا که طبقه کار گر مجهزبا‌ـ علمی ترین وانقلابی تریـن تـئوری مترقی است و پیشرو ترین‌وپیگیر‌ـ ترین‌نیروی محرکه جنبش‌دموکراتیك وملی کشور ما بشمار میرود ،بحق لیاقت‌خلاق رهبری وهژمونی جنبش دموکراتیك وملی افغانستان را دارد ومیتواند ( وبـاید هم بتواند)درتحت رهبری نیـروی پیشاهنگ خـود (نیروی دموکراتیك خلق افغانستان) از خواستهای دهقانان در باره انجام اصلاحات اساسی ارضی مـجدانـه پشتیبانی کند وبه این شعار(دهقانان که بالای زمین زحمت میکشند وآنرا کشت میکنند باید صاحب زمیـن شوند ) تحقق بخشد ،ومساله‌ارضی را بمثا به یـك ضرو رت تـا ریخی بصورت عمقی حل کند .

ضرورت تاریخی‌حل مسأله ارضی واجرای اصلاحـات اساسی ار ضی راهی است که عده یی ازکشورهای مترقی وملی جهان در پیش‌گرفته اند وراهی است که به همه کشور های کم رشد دورانی شگو فان ودورنمای آزادیبخش را میکشاید و را هـی است‌که مانیز بحکم ضرورت‌تاریخ باید در پیش گیریم .